

فعالیت دینی پرداخت. وی در کنار امور مذهبی، از جمله برپایی نماز جمعه، با هدف ایجاد وحدت اسلامی و جلوگیری از تفرقه مسلمانان که از نظر وی مشکل اصلی مسلمانان بود، جامعه اخوان اسلامی را بنیان گذاشت.

حائری، در سال ۱۳۶۷ق. (۱۳۲۷ ش.) در تهران از دنیا رفت و در آنجا به خاک سپرده شد.^۵ آثاری در عرفان، تفسیر قرآن و علم درایه از وی باقی مانده است.^۶

پس از تسلط آل سعود^۷ بر حرمین شریفین و در پی تخریب بارگاه‌ها و قبور بقیع توسط آن‌ها در سال ۱۳۴۴ق.، (← تخریب قبور- بقیع، بارگاه‌ها) بسیاری از مسلمانان، از بیم تکفیر از سوی وهابیت و اقدامات افراطی آن‌ها، به حج نرفتند.^۸ (← تعطیل حج) در سال ۱۳۴۵ق. (۱۳۰۶ش.) گروهی از ایرانیان برای حج، به عتبات رفتند؛ ولی به علت ممانعت دولت عراق از سفر به حجاز، نگران فوت زمان انجام مناسک حج بودند. عبدالرحیم حائری نیز که برای سفر حج از تهران به کربلا رفته بود، مردم را به ارسال

حائری، عبدالرحیم: روحانی شیعی

معاصر و مشخص کننده مرقد امامان بقیع علیهم السلام

شیخ عبدالرحیم حائری فصولی (۱۲۹۴-۱۳۶۷ق.)، فرزند عبدالحسین و از نوادگان محمد حسین صاحب فصول است.^۱ وی در سال ۱۲۹۴ق. در کربلا به دنیا آمد و در همان جا به تحصیلات دینی پرداخت. ملا اسماعیل بروجردی (م. ۱۳۱۹ق.)، زین العابدین مازندرانی (۱۳۰۶ق.) و میرزا محمد هاشم خوانساری (۱۳۱۸ق.) از اساتید وی بودند.^۲ وی از کودکی با تخلص حائری، شعر می‌سرود و بیش از سی اجازه روایت و اجتهاد از علمای شیعه داشت.^۳ از سال ۱۳۱۰ق.، به مدت ده سال در اصفهان و پس از آن ده سال در نجف، به تحصیل علم و تهذیب پرداخت.^۴

با آشفته شدن اوضاع عراق در جنگ جهانی اول، در سال ۱۳۳۰ق.، به تهران مهاجرت کرد. از سال ۱۳۴۹ق.، به مدت سه سال در قم و یک سال بعد نیز در اراک اقامت کرد. پس از آن، تا پایان عمر، در تهران به

۱. طبقات اعلام الشیعه، ج ۳، ص ۱۱۰۴؛ کیهان فرهنگی، ش ۶۲، ص ۵۲-۵۳؛ انترآفرینان، ج ۲، ص ۲۴۴.

۲. موسوعه فقه الاسلامی، ج ۱، ص ۷۰؛ کیهان فرهنگی، ش ۶۲، ص ۵۲.

۳. کیهان فرهنگی، شماره ۶۲، ص ۵۲-۵۳.

۴. دعوت بشر به یگانگی، ص ۲۷-۲۸، «مقدمه».

۵. دعوت بشر به یگانگی، ص ۵۰.

۶. الذریعه، ج ۲۰، ص ۱۷؛ ج ۲۱، ص ۴۷؛ ج ۲۲، ص ۲۱۳؛ ج ۲۳، ص ۱۰۷؛ انترآفرینان، ج ۲، ص ۲۴۴.

۷. عجائب الآثار، ج ۴، ص ۱۴۱؛ روابط ایران و عربستان، ص ۵۲-۵۷؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۵۴.

۸. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۵۴.

تلگراف به حجاز و درخواست تضمین سفر حج دعوت کرد. پس از رسیدن جواب تک تک تلگراف‌های ارسالی مردم و دعوت ایشان به حج و تضمین سفر حج، دولت عراق اجازه خروج حجاج را صادر کرد.^۱

حائری، در ادامه سفر خود، برای زیارت مرقد حضرت زینب علیها السلام به سوریه رفت و در دمشق با سفیر سعودی ملاقات کرد. وی که از نقش و تأثیر حائری در اعزام حجاج مطلع بود و نزد ملک عبدالعزیز سعودی نفوذ داشت، گزارش اقدامات حائری را به عبدالعزیز داد و با توجه به عدم استقبال مسلمانان از حج در آن سال، ضمن تشویق حائری به حج، برای امنیت سفر وی و ایرانیان، از ملک، تضمین گرفت.^۲ همچنین با توجه به امکان اختلاف رؤیت هلال ذی‌حجه بین شیعه و اهل سنت، که در روز وقوف در عرفات و سایر مناسک حج تأثیرگذار است، وی موافقت پادشاه سعودی برای وقوف انفرادی حاجیان شیعی را در عرفات دریافت کرد.^۳

حائری در ورود به مکه، از سوی مسئولین شهر استقبال شد. در خلال مناسک حج نیز با ثبوت رؤیت هلال نزد حائری، حجاج ایرانی

به همراه حجاج سایر کشورها وقوف و سایر اعمال حج را به جا آوردند و به این جهت، ملک عبدالعزیز، با اعزام نماینده‌ای از حائری تقدیر کرد.

حائری پس از مناسک حج، به دعوت ملک عبدالعزیز، در مراسمی در قصر ملک شرکت کرد و طی دو جلسه مذاکره، ضمن اعتراض به تخریب قبور امامان بقیع علیهم السلام، خواستار ترمیم قبور شد. با توجه به سابقه تخریب قبور بزرگان اسلام از سوی وهابیت و شایع شدن تلاش آن‌ها برای تخریب مرقد نبوی، عبدالعزیز در این مذاکرات که به صورت نامه‌ای رسمی نیز به حائری ابلاغ گردید، ضمن تأکید بر حرمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تصریح کرد که هرگز قصد تخریب حرم نبوی را ندارد و تخریب قبور بقیع را نیز به دیگران نسبت داد.^۴ همچنین آمادگی خود را برای پیروی از نظر علمای مذاهب اسلامی در مسئله قبور، اعلام کرد. وی خود را متعهد به پاکسازی و ایجاد دیواری برای حفاظت از قبور بقیع دانست و تأکید کرد که از زیارت مشروع از بقیع ممانعت نکند.^۵

با صدور نامه پادشاه سعودی، در همان

۴. حکایات قبرستان بقیع، ص ۳۹؛ دعوت بشر به یگانگی، ص ۳۰.

۳۵ «مقدمه».

۵. دعوت بشر به یگانگی، ص ۳۰-۳۵، «مقدمه».

۱. حکایات قبرستان بقیع، ص ۲۰-۲۶.

۲. حکایات قبرستان بقیع، ص ۲۷؛ نامه‌های حائری، ص ۳۷-۳۸.

۳. نامه‌های حائری، ص ۳۸.

زمینه، گزارش شده است. مکاتباتی نیز با سفیر سعودی در سوریه انجام گرفت. گفته شده در سال ۱۳۶۷ق. (۱۳۲۷ش.) صدرالاشراف،* امیرالحاج ایران، تصویر نامه ملک عبدالعزیز را تکثیر و در اختیار شماری از حجاج قرار داد تا در صورت ممانعت از زیارت بقیع، به آن استناد کنند.^۴

در سال ۱۳۴۷ق. حائری برای پیگیری اقدامات خود و تسهیل زیارت بقیع به حج رفت. در این سفر، مسیر خود را از راه جبل که مشکلات و مصائب متعددی برای ایرانیان و شیعیان داشت، انتخاب کرد و در مسیر، ضمن گفت‌وگو با سران طوائف و قبایل، زمینه آشتی با آن‌ها را مهیا ساخت. پس از اعمال حج در مکه، مصرانه خواستار اجرای مفاد نامه قبل شد و قول‌های مساعدی نیز دریافت کرد. سال بعد (۱۳۴۸ق.) نیز به قصد حج تا مدینه رفت؛ ولی به دلایلی نامعلوم از انجام حج منصرف شد و به نجف بازگشت.^۵ سید حسین بروجردی، از مراجع شیعه که در سال ۱۳۴۵ق. به حج رفت،^۶ در شمار

سال، حائری صورت قبور ائمه بقیع را از سطح زمین بالاتر آورد و دیواری دور قبور ساخت.^۱ این اقدام، از آن جهت که در اولین سال پس از تخریب قبور بقیع و وجود نشانه‌های قبور انجام گرفته، مهم دانسته شده است.^۲

بر اساس گزارش حائری، وی همچنین پیشنهاد کرد که سایبان و سکوه‌های مناسبی، بدون تزیینات و طلاکاری، جهت زائران در بقیع احداث گردد که علی‌رغم موافقت عبدالعزیز، هرگز عملی نگردید. نامه ملک عبدالعزیز، به عنوان سندی برای ترمیم قبور، در اختیار علما قرار گرفت و تلاش‌هایی نیز برای تأمین بودجه تعمیرات بقیع صورت گرفت؛ ولی به دلایلی نامعلوم این امر محقق نگردید.^۳

حائری برای تحقق مفاد نامه پیگیری‌های متعددی انجام داد. انتشار نسخه‌ای از آن در روزنامه اطلاعات، همچنین ارائه آن به سفیر ایران در لندن، برای پیگیری بیشتر و ارسال رونوشتی برای جامعه الازهر مصر در این

۱. دعوت بشر به یگانگی، ص ۳۴، «مقدمه».

۲. شرح دیدار یک روحانی با ملک عبدالعزیز

www.ical.ir/index.php?option=com_k2&view=item&id=1738

۳. شرح دیدار یک روحانی با ملک عبدالعزیز

www.ical.ir/index.php?option=com_k2&view=item&id=1738

۴. دعوت بشر به یگانگی، ص ۳۴، «مقدمه».

۵. دعوت بشر به یگانگی، ص ۳۵، «مقدمه».

۶. نک: پیام حوزه، ش ۴۳-۴۴، «زندگی‌نامه آیت الله بروجردی»

(ویژه‌نامه): پیام حوزه، ش ۳۱، «نگاهی گذرا به زندگانی

حضرت آیت‌الله العظمی بروجردی».

همراهان حائری در ملاقات وی با ملک عبدالعزیز یاد شده است.^۱ البته در منابع زندگینامه ایشان، علی رغم ذکر سفر حج در آن سال، اشاره‌ای به همراهی با حائری نشده است. برخی این شخص را نماینده یا کارمند مجلس شورای ملی معرفی کرده‌اند.^۲

با وجود اهمیت اقدامات و سفر حائری، بازتاب در منابع و گزارشات نشریات، بسیار محدود بوده و به جز مقدمه برخی آثار ایشان، تنها یک کتاب با عنوان *حکایات قبرستان بقیع* به گزارش آن پرداخته است.^۳

◀ منابع

اثر آفرینان زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی: زیر نظر محمدرضا نصیری، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران، ۱۳۷۷ش؛ پیام حوزة (فصلنامه): حوزه علمیه قم؛ تاریخ عجائب الاثار فی التسراجم و الاخبار: عبدالرحمن الجبرتی، بیروت، دار الجیل، بی‌تا؛ حکایات قبرستان بقیع: خاطراتی از عبدالرحیم صاحب الفصول حائری، به کوشش شهرام قراگوزلو، تهران، رسپنا، ۱۳۸۸ش؛ دعوت بشر به

۱. دعوت بشر به یگانگی، ص ۳۴.

۲. شرح دیدار یک روحانی با ملک عبدالعزیز www.ical.ir/index.php?option=com_k2&view=item&id=1738

۳. نک: حکایات قبرستان بقیع.

یگانگی: عبدالرحیم حائری، شرح سعید غفارزاده، تهران، غفارزاده، ۱۳۷۴ش؛ الذریعة الی تصانیف الشیعه: آقا بزرگ تهرانی (م. ۱۳۸۹ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۳ق؛ روابط ایران و عربستان در سده بیستم (دوره پهلوی): حمید احمدی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶ش؛ طبقات اعلام الشیعه: آقا بزرگ تهرانی، به کوشش عبدالعزیز طباطبایی و محمد طباطبایی، مشهد، دار المرتضی، بی‌تا؛ الفقه الاسلامی: مؤسسة دائرة معارف الفقه الاسلامی: قم، ۱۴۳۱ق؛ کیهان فرهنگی (ماهنامه)، تهران، مؤسسه کیهان؛ مرآة الحرمین: ابراهیم رفعت باشا (م. ۱۳۵۳ق.)، قم، المطبعة العلمیه، ۱۳۴۴ق؛ نامه‌های حائری (نهج البصیره): عبدالرحیم صاحب الفصول، شرح سعید غفارزاده، تهران، قلم، ۱۳۷۶ش.

اباذر جعفری



حائری، نصرالله: نماینده و امام جماعت

شیعه، در عهد نادرشاه، در مسجدالحرام

سید نصرالله حائری موسوی در کربلا به دنیا آمد. در منابع، به تاریخ تولد و دوران اولیه زندگی او اشاره نشده است. او به آل فائز، خاندانی مشهور در کربلا^۴، نسب می‌برد. از این رو به او فائزی گفته‌اند.^۵ شهرتش به

۴. نک: بیوات کربلا القدیمة، ص ۶۳-۸۰.

۵. تنضید العقود، ج ۲، ص ۳۷۹؛ اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۱۳.